



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۰/۰۶/۲۳

میر عنایت الله سادات

## افغانستان به بحران شدید اقتصادی روبرو است

مؤسسات تحقیقات علمی جهان با ارائه ای ارقام و شاخص ها ، هوشدار میدهند که :  
بالا تروسعت شیوع مرض کرونا ، جهان دچار بحران کم سابق شده است . این منابع ، پائین افتادن سطح محصول ناخالص اجتماعی و افزایش رقم بیکاران را در سال جاری ، تشویش آور میدانند. آنها از محاسبات خویش این نتیجه را میگیرند که کشورهای زیادی ، رشد منفی اقتصادی را تجربه خواهند کرد.  
بانک جهانی با ارزیابی کشورهای متضرر شونده ای جنوب شرق آسیا طی سال ۲۰۲۰ ، افغانستان را در مقام اول فهرست ارائه کرده ای خود ، جا داده است . اینکه کشور ما با سرازیر شدن آن همه پولها در دو دهه ای اخیر ، همیشه مقام بحران زده ترین را احراز میکند ، دلایل مشخصی دارد که افغانهای آگاه و وطن دوست آنرا میدانند . اما یادآوری مجدد آن در اوضاع و احوال کنونی ، از نظر این قلم ضروری پنداشته میشود . تا توجه به آن معطوف گردد. روی همین ملحوظ ، تعدادی از این عوامل، اینک معرفی شده و به مباحثه گرفته میشود :

۱- بالا اثر جنگ های تنظیمی ، بعد از اپریل ۱۹۹۲ ، تأسیسات بزرگ تولیدی ویران شده و دهها هزار انسان محلات کارشان را از دست دادند .  
۲- در دوره ای طالبان هم این محلات مطابق امیال تجاوزگران پاکستانی به حالت ویرانه ها ، نگهداری شدند .  
۳- پس از سقوط طالبان و جابجا شدن نیروی های دول خارجی در سال ۲۰۰۱ ، "سیستم اقتصاد مختلط" که همیشه جایگاه خود را در قانون های اساسی گذشته ای افغانستان داشت ، منسوخ شناخته شد . در عوض آن "سیستم اقتصاد بازار" بدون در نظر داشت ضرورت های عینی جامعه ، از خارج کاپی شده و در ماده ای دهم قانون اساسی جدید جابجا گردید .  
در افغانستان ، طی سالهای متمادی یک "سیستم اقتصادی مختلط" مبتنی بر هردوسیستم "آزاد" و "مرکزی" مرعی الاجرا بود. مطابق این سیستم ، هردو سکتور خصوصی و دولتی ، بر مبنای نیازمندی های واقعی جامعه مجاز بوده و عندی ضرورت در تحت رهنمائی دولت ، در کنار هم قرار داشتند . قانونی ساختن تنها "سیستم اقتصاد بازار" سبب شد ، تا کمک های آمده از خارج ، بدون مجوز دولت افغانستان به حسابات اشخاص مورد نظر ، زیر نام "سازمان های غیرحکومتی" (N.G.O) انتقال بیابد . این طرز العمل زیر شعار "ملت سازی" (Nation Building) دنبال گردید .  
گفته میشود که هدف شعار مذکور این بود تا یک طبقه ای نیرومند سرمایه دار بمیان آمده و با مسلط شدن این طبقه بر سرنوشت کشور ، اقتصاد افغانستان در مدار سیستم جهانی سرمایه داری قرار بگیرد. اما این تخیل نه تنها جامه ای عمل نپوشید ، بلکه در عوض زمینه ساز آن شد ، تا گروه های پر قدرت مافیایی در همکاری با شرکای بین المللی شان ، ظهور کنند . گروه های یاد شده ، شیرازه ای اقتصاد وطن جنگ زده ای ما را بدست گرفتند. آنها زیر نام "اقتصاد آزاد"، به خود حق میدهند که در همه ای امور مداخله کرده و هر نوع استفاده ای ناجائز شانرا بر پایه ای اصول "اقتصاد بازار" توجیه نمایند.

در حالیکه "سیستم اقتصاد بازار" بانیست بر پایه ای "رقابت آزاد" استوار بوده و بخاطر تحقق آن ، باید "قانون منع انحصار" تنفیذ و در عمل پیاده شود . اما در افغانستان به این مأمول توجه نشد . سرنوشت اکثریت پروژه ها ، بدون طی مراحل داوطلبی و رقابت آزاد به شرکت های وابسته به شبکه های مافیایی سپرده شد. سوابق کاری ، اعتبار مالی و حدود مسئولیت شرکت ها ، در قرارداد ها مسجل نمی شد. سطح بهره برداری پروژه ها ، مؤلدیت و کیفیت کاری آنها ، مطمح نظر اولیای امور نبود. از همین جهت ، متصل با اختتام کار ساختمانی این پروژه ها ، ویرانی آنها نیز آغاز میگردد . مثال گویای این معضل ، تخریب شدن سریع سرک ها و شاهراه های اسفلت شده ای افغانستان است.

۴ - زورمندان در پرتو شعار خصوصی سازی اقتصاد ، تصدی های مثرمدولتی را با پرداخت قیمت های ناچیز ، از ملکیت دولت بیرون آورده و در کنترل خود درآوردند. این ملکیت ها ، اکثراً به دوراز اهداف تولیدی شان در استقامت

د پانو شمیره: له ۱ تر ۳

افغان جرمن آنلاين په درنیت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی دلیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

های غیرمؤلف، مورد استفاده قرار گرفته و نقش آنها از تولید ملی کنارزده شد. طورمثال، فابریکه ای نساجی بگرامی ولایت کابل که چهل فیصد منسوجات سندی طرف ضرورت داخلی را آماده میکرد، ویران شده و به توقف گاه یک شرکت باربری مبدل شده است. همینطور فابریکه خانه سازی که ساخت مکروریون های شهرکابل، نتیجه ای کاری آن میباشد، جهت خصوصی سازی به بازار عرضه شد. اما تا هنوز غیرفعال باقی مانده است. همین روش در برابر فابریکه سمنت غوری اتخاذ شد، تا سالانه صدها هزار تن سمنت از پاکستان وارد گردد.

۵ - یک ونیم ملیون جریب زمین دولتی و خصوصی از جانب زورمندان غصب شد. تعداد زیادی از مالکین کوچک و بی دفاع، مجبور به ترک خانه و کاشانه ای خود شده و برای بقای زندگی فامیلهای شان به شهرها رو آوردند.

۶ - معادن احجار قیمتی (زمرد، لاجورد، لعل، طلا و سنگ مرمر) در تحت کنترل زورمندان تنظیمی و یا طالبان قرار دارد. آنها این اقلام را خلاف قانون و برضد منافع ملی مردم ما استخراج نموده و به خارج قاچاق مینمایند. گرچه ظاهرًا این دو گروه با هم مخالف اند، اما در بخش انتقال این مواد به خارج، میان هردوی شان همکاری مافیایی وجود دارد.

۷ - زرع و ترویج مواد مخدر، عرصه دیگری است که شبکه های مافیای داخلی و بین المللی، به قیمت تباهی اقتصاد ملی ما، از آن منفعت سرشار بدست میآورند. بخش بزرگ از مخالفت های مسلحانه توسط همین پولها تمویل میشود. تا در فضای نا امنی، مواد مخدر به سهولت زرع و انتقال بیاید.

۸ - همینطورنه تنها صدها هزار جریب زمین از پروسه ای تولید مواد طرف ضرورت جامعه ما، منتفی گردیده و درگروه مافیای مواد مخدر قرار گرفته است، بلکه سه ملیون انسان واجد شرایط کار، از خدمت به وطن و جریان تولید ملی نیز حذف شده اند. آنها بار دوش جامعه گردیده و به یک معضل بزرگ اجتماعی، امنیتی و اقتصادی مبدل شده اند.

۹ - چنین رقم معنادین، هیچگاه در گذشته ای افغانستان سابقه نداشت. بعضی عناصر منفی باف این رقم را با شمار از سیاح های خارجی که عمدتًا گروه هیپی ها بودند و با استفاده از شرایط آسان رفت و برگشت در دهه ای مشروطیت به افغانستان میآمدند، مقایسه میکنند. درحالیکه آنها، از مواد نشه آور عنعنوی استفاده کرده و رفتار آنها مورد توجه و علاقه ای مردم ما قرار نمیگرفت. به عبارت دیگر هیچگاه در گوشه و کنار جامعه ای ما، چنین معنادین به چشم نمیخوردند.

۱۰ - ملکیت ورهبری عرصه های که باید در چوکات سکتور دولت باقی میماندند، رعایت نشد. چنین عرصه ها، عمدتًا شامل سه کتگوری اند:

الف - یکی از آن، همان عرصه های اند که مفاد هنگفت برای دولت به بار میآورند. مانند معادن و انحصار توریذ اقلامی که تقاضای عامه برای آن وجود دارد، از قبیل نفت و دخانیات.

ب - دومی، عرصه های اند که تقاضای عامه ای مردم برای آن وجود داشته و باید به پائین ترین قیمت و یا رایگان به ضرورت مندان عرضه گردد. تمام خدمات لابر اتواری، شفاخانه ها، استفاده ای رایگان از شاهراه ها، تعلیمات درمکاتب و تحصیلات عالی، شامل این بخش میباشند.

ج - سوم توزیع بلا استثنا کوپون به تمام منسوبین دولت (شامل مامورین، مستخدمین و کارگران). تا با پیش کش کردن مواد اولیه به قیمت ثابت و نازل برای ایشان، شمار متقاضیان در بازار کاهش یافته و قیم مواد مورد ضرورت اولیه استقرار داشته باشد. همینطور منسوبین دولت از ثبات قیم، بهره مند گردند.

با قانونی ساختن "سیستم اقتصاد بازار" مقررات فوق الذکر به حاشیه گذاشته شده و مردم بی بضاعت، همه روزه از نوسانات قیم رنج فراوان میبرند.

همینطور تداوی و معالجه ای این اکثریت ناتوان بدوش خود شان گذاشته شده و دولت ناتوانی خود را درین عرصه، همه روزه اذعان میدارد. به عبارت دیگر، دولت با امکانات محدود خود، قادر نیست تا مردم ناتوان خود را در برابر شیوع مرض کرونا، وقایه نماید.

۱۱ - در بخش زیربنای اقتصادی نه تنها اعمار پروژه های جدید روی دست گرفته نشد، حتی شمار زیاد پروژه های سابق نیز، ترمیم و فعال نشدند. کشور کوهستانی افغانستان، امکانات وسیع اعمار بند های آبگردان و برق آبی را دارد. کسانی که در گذشته ها، در بخش های مالی و پلانگذاری دولت شاغل کار بوده اند، به نیکوئی میدانند که شمار زیادی پروژه ها، درین عرصه از سالها قبل ترتیب و تنظیم شده بودند. اما بخاطر نبود منابع مالی، فشار دوکشور همسایه (ایران و پاکستان) و نبود امنیت، کار اعمار آنها آغاز نمیگردید.

درین دو دهه که امکان دریافت قرضه از منابع خارجی وجود داشت، هردو کشور بوسیله ای عمال نفوذی شان از اعمار بند های آبگردان در مناطق غربی و شرقی افغانستان پیوسته جلوگیری کرده اند. تمویل کنندگان خارجی که همان "سازمانهای غیرحکومتی" بود، نیز درین مورد کدام علاقه ای نشان نمی دادند. نتیجه چنین شد که نه تنها پروژه های جدید اعمار شده نتوانست، بلکه تاسیسات قبلی نیز به ظرفیت های قبلی شان فعال نگردند. این حالت، بخودی خود کشور را از برق وارداتی وابسته ساخت.

وقتی بند های آبگردان اعمار نشوند ، بخش بزرگ اراضی ، همچنان لامزروع می مانند. همینطور منابع انرژی بخاطر به چرخ آوردن جریان تولید کارخانه ها ، به قیمت مساعد نیز وجود نمیداشته باشد. علم اقتصاد به ما می آموزد که احداث چنین پروژه ها ، " تأثیرات ظرفیتی" در محیط ماحول خود دارد. در جریان اعمار این بناها نه تنها برای نیروی های کاری ، محل اشتغال بوجود میآید ، بلکه بخاطر رهاش خانواده های شان ، اعمار شهرک ها نیز در مجاورت به پروژه ها شکل میگیرند. تأثیر مثبت این تحولات انکشافی ، از ماحول این پروژه ها نیز فراتر رفته و با نقل مکان قوای کار به آنجا ، از تجمع نفوس در شهر های بزرگ جلوگیری بعمل میآید .

۱۲- بمیان آوردن یک اقتصاد ملی متکی بخود ، ضرورت عینی جامعه ای ما میباشد. درین مورد شاخص های روشن و انکارناپذیر وجود دارد:

اول اینکه افغانستان یک کشور محاط به خشکه بوده و راه اتصال آن به مارکیٹ جهانی ، دستخوش قیودات زیاد است . نزدیک ترین راه ترانزیت از مسیر پاکستان میگذرد. این راه همیشه با تحدید وانسداد مواجه میباشد . صادرات عمده ای افغانستان ، محصولات زراعتی است . این اقلام باید در یک مدت کوتاه انتقال یافته وبفروش برسد . در غیر آن فاسد میشوند. بامسدود شدن راه ترانزیت ، همیشه اعتراض صادرکنندگان علیه دولت بلند میشود. چنین انتقاد ها ، چاره و راه قانونی را نمی گشاید . دولت باید بر طبق مقررات ، مکلف ساخته شود که برای نگهداری چنین محصولات ، محلات نگهداری و سردخانه ها را اعمار کند. همینطور باید فابریکات شربت سازی بمیان آیند ، تا آب میوه از آن طریق پروسس شده و به قیمت های بهتر به خارج صادر شوند. در آنصورت خطر فاسد شدن محصولات رفع میگردد.

همینطور باید دولت در بخش تولید ، ترویج و صدور نباتات کمیاب ، حمایت های ضروری را به پیشه وران عرضه نماید . توجه دولت در بخش زرع و صدور نبات زعفران قابل تذکر است . ولی این اقدامات در رابطه با نباتات مشابه آن نیز باید اتخاذ گردد.

۱۳- طوریکه در بالا به آن اشاره شده ، سرمایه های سرازیر شده از خارج ، بدون اثرات مثبت بر ساختار اقتصادی افغانستان در اختیار شبکه های مافیائی قرار گرفت . همینطور درآمد های نامشروع از بابت غضب زمین ، استخراج غیرقانونی معادن وتجارت مواد مخدر ، منهای بخش کوچک آن که در ساختمانهای بلند منزل سرمایه گذاری شد ، فی المجموع همه ای آن به خارج انتقال یافته است . این پولهایی نیست که مالکین آن در نتیجه ای کار وزحمت شان بدست آورده و قانونی باشد . بناء" به اصطلاح وطنی ما با ترس از " روز مبادا " در حراس بوده و تلاش مینمایند تا آنرا به کشورهای مورد نظرشان انتقال بدهند .

البته باید متذکر شد که مالکین پولهای قانونی نیز بخاطر مشکوک بودن آینده ای اوضاع امنیتی ، دارائی های شانرا از کشور خارج مینمایند . منجمت ناقص دولت ، بخودی خود سبب ظهور فضای عدم اعتماد شده وموجب فرار سرمایه میگردد. چنین سرمایه ها در علم اقتصاد بنام " سرمایه های گریز پناه " نامگذاری شده اند. با تشخیص و نقش چنین سرمایه ها ، امکان توقف و مدغم کردن آن در اقتصاد ملی به چشم نمیخورد . لذا یگانه راهی را که باید دولت در جستجوی آن باشد ، همانا تقویه سرمایه گذاری ها در بخش سکتور دولتی میباشد . تا فضای اعتماد دوباره ایجاد شده و سرمایه های شخصی به وطن برگردند. پایان